

### Immunity of state property in international law Looking at the seizure of Iranian oil exports by the United States

Abdul Samad Bahrani<sup>1</sup>, Sohrab Salahi<sup>2</sup>, Mohsen Diyanat<sup>3</sup>

#### Abstract

**Field and Aims:** Iran has been under unilateral US sanctions for years, and the scope of these measures is increasing every day. From the seizure of Iranian property and assets to the threat of seizure of Iranian oil tankers shows the growing tensions. In this regard, the main purpose of this study is to examine US actions in imposing sanctions and seizing Iranian oil tankers from the perspective of international law.

**Method:** This is a qualitative and applied research in terms of purpose and in terms of collecting information by documentary method and studying international documents, sources related to the subject and the obtained information has been analyzed descriptively-analytically.

**Findings and conclusion:** The rule of judicial immunity The government has accepted exceptions following changes in the international legal system, including the exemption of tenure and the adoption of the doctrine of limited immunity. Regarding the imposition of unilateral sanctions, there is no explicit text in the Charter of the United Nations that states agree to exert pressure through sanctions in various fields, and therefore, these actions of the United States have no legitimacy. Regarding the US action in seizing Iran's export oil, it should be said that this measure lacks legitimacy in terms of the principle of equality of states, in terms of international rules of the law of the sea and in terms of the principle of protection of state property from seizure by domestic courts.

**Keywords:** State immunity, economic sanctions, seizure of Iranian oil ships, US sanctions.

\*Citation (APA): Bahrani, A., Salahi, S., Diyanat, M. (2022). Immunity of state property in international law Looking at the seizure of Iranian oil exports by the United States. *International Legal Research*, 15(55), 149-171.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_690829.html?lang=en](http://alr.iauctb.ac.ir/article_690829.html?lang=en)

1. Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Email: as.bahreini@jpc.complex.com

2. Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Assistant Professor of Law, Imam Hussein University. (Author). Email: Salahi.sohrab@gmail.com

3. Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Assistant Professor, Department of Political Science, Payame Noor University. Email: mdianat.pn@gmail.com



## مصونیت اموال دولتها در حقوق بین الملل با نگاهی به توقیف نفت صادراتی ایران توسط آمریکا عبدالصمد بحرینی<sup>۱</sup>، سهراب صلاحی<sup>۲</sup>، محسن دیانت<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** سالهاست که ایران تحت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا قرار داشته و هر روز دامنه این اقدامات رو به افزایش است. از توقیف اموال و دارایی‌های ایران تا تهدید به توقیف نفتکش‌های ایران نشان از این تنش‌های رو به افزایش دارد. در این خصوص، بررسی اقدامات آمریکا در اعمال تحریم و توقیف نفتکش‌های ایران از منظر حقوق بین‌الملل هدف اصلی این پژوهش می‌باشد.

**روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات، به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین و منابع معتبر انجام شده و اطلاعات به‌دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها و نتایج:** قاعده مصونیت قضایی دولت در پی تحولات نظام حقوق بین‌الملل، استثنائاتی را پذیرفته است، از جمله استثنای اعمال تصدی‌گری و پذیرش دکترین مصونیت محدود. در خصوص اعمال تحریم‌های یک‌جانبه نص صریحی در قانون منشور ملل متحد مبنی بر توافق دولتها در اعمال فشار از طریق تحریم در زمینه‌های مختلف وجود ندارد و لذا، این اقدامات آمریکا دارای قانونیت نیست. پیرامون اقدام آمریکا در توقیف نفت صادراتی ایران نیز باید گفت که این اقدام از منظر اصل برابری دولتها، از منظر مقررات بین‌المللی حقوق دریاها و از منظر اصل مصونیت اموال دولتها از توقیف توسط محاکم داخلی فاقد قانونیت و مشروعیت می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مصونیت دولتها، تحریم اقتصادی، توقیف کشتی‌های نفتی ایران، آمریکا.

\*استناددهی (APA): بحرینی، عبدالصمد؛ صلاحی، سهراب؛ دیانت، محسن. (۱۴۰۱). مصونیت اموال دولتها در حقوق بین الملل: با نگاهی به توقیف نفت صادراتی ایران توسط آمریکا تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۵)، ۱۷۱-۱۴۹.  
[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_690829.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_690829.html)

۱. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. رایانامه: bahreini@jpcomplex.com

۲. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. استادیار گروه حقوق دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام. (نویسنده مسئول). رایانامه: Salahi.sohrab@gmail.com

۳. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور. رایانامه: mdianat.pn@gmail.com



## مقدمه

حقوق بین‌الملل به عنوان قواعد حاکم بر روابط بین دولتهای برخوردار از حاکمیت در یک فرآیند تاریخی پرفراز و نشیب، مشتمل و متکی بر اصول و قواعدی است که ضرورت حیات بین‌المللی قاعده مند، مستلزم وجود آنهاست. اصول و قواعدی که در کلیت خود، اجتماع دولت‌های به دنبال منافع فردی را به سوی جامعه دولتهای به دنبال اهداف و منافع جمعی سوق می‌دهد (کلیبار، ۱۳۷۱: ۴). بر این اساس، منشور ملل متحد در بند (۷) ماده (۲) ضمن پذیرش اینکه دولتها حق دارند تا در محدوده سرزمین و قلمرو خود وضع قوانین نمایند، منع مداخله در امور داخلی آنها را نیز ممنوع نموده است. بر این اساس، تصمیمات ملی نباید فراتر از قلمروی موضوعی یا سرزمینی دولت‌ها تسری یابند.<sup>۱</sup>

با این حال، در دوران‌های مختلف چه قبل از برجام و چه بعد از برجام، شاهد تلاش برای تحریم‌های یک‌جانبه از سوی آمریکا هستیم. این اقدامات در زمینه‌های مختلفی صورت گرفته که توقیف اموال ایران از جمله نفت صادراتی از جمله این موارد است که به بهانه‌های مختلف از جمله ادعای نادرست عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای خود صورت گرفته است.

اگرچه تاکنون آژانس بین‌المللی که به عنوان مسئول ارزیابی و پایبندی یا عدم پایبندی ایران به اجرای برجام، بارها اعلام نموده کرده است که جمهوری اسلامی ایران به همه تعهدات برجامی خود عمل کرده است، اما عملکرد آمریکا چه در دوره اوباما و چه در دوره ترامپ بر این اساس بوده که نه تنها تحریم‌های قبلی را برگردانده، بلکه بر آن است که اجازه ندهد فضای مبادلات و تعاملات ایران با کشورهای دیگر عادی شود (صلاحی، ۱۳۹۹: ۴۰۲).

بر این اساس، شاهد اقداماتی در سال‌های گذشته در خصوص توقیف نفتکش ایران هستیم. از جمله نفتکش گریس (۱) توسط بریتانیا و اقدامات قضایی دادگاه جبل الطارق در این خصوص با ادعای ارسال نفت به سوریه که ایران، پس از اقدام انگلیس، ادعای ارسال نفت به سوریه را رد کرد و ادعا کرد که این نفتکش به طور غیرقانونی توقیف شده و آن را پرونده دزدی دریایی دانست. اما موضوع به همین جا ختم نشد و سپس، اقدامات ایالات متحده آمریکا در توقیف نفتکش‌های<sup>۲</sup> ایران به مقصد ونزولا بسیار بحث برانگیز شد. و همچنین، خصوصاً که ترامپ برای توقیف این نفتکشها از طریق دادستان‌های قضایی آمریکا اقدام به تشکیل پرونده و اخذ حکم قضایی<sup>۳</sup> نمود. بر این مبنای، در این پژوهش به دنبال بررسی این امر هستیم که مصادره اموال دولتها از منظر حقوق بین‌الملل چه جایگاهی دارد؟ و توقیف نفت صادراتی ایران توسط آمریکا از چه ابعاد حقوقی برخوردار است؟

1. Report of the Working Group on Jurisdictional Immunities of States and their Property  
2. M/T Bella, M/T Bering, M/T Pandi and M/T Luna  
3. U.S. District Court for the District of Columbia

## ۱. از اقتصاد سیاسی نفتی تا تحریم اقتصادی

نفت و گاز طبیعی، مهم‌ترین منابع تأمین انرژی بشر امروزی هستند، به طوری که نفت خام ۴۵ درصد و گاز طبیعی ۲۵ درصد انرژی دنیا را تأمین می‌کنند. از این رو، نفت و گاز در معادلات اقتصادی-سیاسی جهان اهمیت راهبردی دارند و در فرآیند روابط بین‌الملل نقش مهمی می‌توانند ایفا کنند. کشورهای جهان، به لحاظ برخورداری از ذخایر انرژی به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول که بیشترین انرژی را در جهان مصرف می‌کنند، سهم ناچیزی از ذخایر نفت و گاز دنیا دارند. برای مثال، گروه کشورهای صنعتی OECD که حدود ۶۲ درصد نفت جهان را می‌سوزانند، تنها ۷ درصد ذخایر نفتی را در اختیار دارند. این کشورها ۳۴ درصد نیاز خود را از کشورهای نفت خیز تأمین می‌کنند و برای تأمین انرژی خود، به شدت نیازمند گروه دوم یا کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز هستند (سلیمی، ۱۳۹۹: ۲).

اقتصاد ایران تا حد زیادی به صادرات نفت وابسته است. تقریباً ۵۰ درصد از درآمدهای ملی بودجه و ۸۰ درصد از صادرات کشور از منابع نفتی تأمین می‌شود. در دهه‌های مختلف، روند افزایش قیمت و درآمدزایی نفت متفاوت بوده و در دهه ۸۰ و فواصل سال‌های ۸۹-۸۵ (برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به اوج خود رسیده است. اگرچه افزایش قیمت نفت به صورت مقطعی در بهبود وضعیت برخی از شاخص‌های اقتصادی در کشور مؤثر بوده، اما به طور کلی نفت نتوانسته است شاخص‌های کیفی توسعه اقتصادی از قبیل رفع فقر، بیکاری و نابرابری را بهبود بخشد (مصطفی نژاد و شیخ‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۳). براین اساس، به بررسی تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد نفتی ایران خواهیم پرداخت.

### ۱-۱. ماهیت تحریم اقتصادی

در بیان تعریف تحریم‌های اقتصادی باید گفت به اقدامات دارای خصلت اقتصادی در مقابل دیپلماتیک یا نظامی اطلاق می‌شود که دولت‌ها برای بیان مخالفت با اقدامات دولت هدف یا واداشتن آن دولت به تغییر یک خط‌مشی یا رویه یا حتی ساختار حکومت اتخاذ می‌کنند. با آنکه مرزبندی همواره دقیق نیست و گاهی انگیزه‌ها مختلط است، تحریم‌های اقتصادی معمولاً اقداماتی است که به خاطر منفعت اقتصادی صورت نمی‌گیرد و غالباً زیانی تجاری به دولت درگیر در برنامه تحریم وارد می‌کند (لوونفلد<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳: ۱۲).

به عبارت دیگر، تحریم‌های اقتصادی، کاهش یا متوقف ساختن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی، تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی دولت تحریم‌کننده است. در واقع، تحریم

1. Lowenfeld

سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه‌ای غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفت‌وگو فراتر می‌برد و وارد عمل می‌شود (آی‌لر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۴).

نظریه‌های تحریم رابطه مستقیمی با به کارگیری قدرت اقتصادی دارد و لذا، می‌توان گفت که تحریم اقتصادی یعنی دست کاری روابط اقتصادی به منظور اهداف سیاسی (لیزmond<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۱۳). برخی نیز تحریم‌های اقتصادی را جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک می‌دانند. این برداشت به قرنهای پیشین مربوط بوده است. در اوضاع کنونی، استراتژی برپا کردن جنگ اقتصادی در جریان خصومت‌های جاری عصر نوین، دارای اهدافی بسیار گسترده‌تر از مفهوم سنتی است. مخصوصاً بعد از دهه ۱۹۹۰ الگوی تحریم دچار تغییر شده است. تحریم‌های اقتصادی می‌تواند شامل تحریم‌های بازاریابی، مدیریت، تولید، تحقیق و توسعه و امور مالی باشد (لوپز و کورت رایت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰: ۱۸).

## ۱-۲. تحریم‌های اقتصادی نفتی ایران

ایالات متحده پس از انقلاب اسلامی ایران طی مراحل مختلف و به دلایل متعدد اقدام به تحریم یک‌جانبه نسبت به تهران نموده است. اما این روند از ۱۳۸۰ به بعد حول موضوع هسته‌ای شدت یافت. هرچند طی این سالها شورای امنیت نیز در قبال برنامه هسته‌ای ایران به وضع تحریم‌هایی ذیل فصل هفتم مبادرت نمود، اما علیرغم این، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا نیز در روندی فزاینده ادامه یافت (سید تقی زاده، رئیسی و اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۴۰).

تحریم‌های یک‌جانبه‌ی آمریکا بر علیه شرکتهای نفتی متقاضی به سرمایه‌گذاری در ایران موجب شده آنها تمایلی به انعقاد قراردادهای جدید وجود نداشته باشند. تحریم نفت ایران اقدامی از سوی ایالات متحده علیه برنامه هسته‌ای ایران است که با هدف محروم کردن این کشور از درآمدهای نفتی و وادار کردن آن به همکاری با جامعه جهانی برای برطرف کردن ابهامات درباره برنامه احتمالی هسته‌ای نظامی اش شکل گرفت. این تحریمها با ابزارهایی مستقیم همچون تحریم خرید و یا خریداران و غیرمستقیم همچون تحریم بیمه‌ای کشتی‌های نفتکش و یا تحریم بانکی، اعمال و با هدف انصراف متقاضیان نفت انجام می‌شود (ضیایی و غفاری، ۱۳۹۵: ۲).

تاریخ تحریم و ممنوعیت تجاری علیه ایران نشان می‌دهد که تحریم‌ها و ممنوعیت‌های قبل از سال ۲۰۰۶ با تحریم‌ها و ممنوعیت‌های بعد از این سال، ماهیت و ویژگیهای متفاوتی با هم دارند. تحریم‌ها و ممنوعیت‌های دوره نخست به خاطر ماهیت غالباً نمادین خود نمی‌دانستند منجر به فشار اقتصادی بنیادین علیه ایران شوند. البته، به رغم تفاوت ماهیتی تحریم‌های جدید و تداوم برخی آسیب‌پذیری‌های اقتصادی ایران، مسئولین و مدیران این کشور در راه کاهش این آسیب‌پذیری‌ها

1. Eyler  
2. Lesmond  
3. Lopez & Cortright

گام برداشته‌اند. نمونه بارز این روند را می‌توان اجرا شدن طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران و افزایش قیمت سوخت برای کاهش آسیب‌پذیری در زمینه واردات مواد پتروشیمی تلقی کرد (بیات، ۱۳۹۱: ۹۵۴).

## ۲. قانونیت و مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل

مشروعیت از جمله مفاهیمی است که در علوم سیاسی و اجتماعی دارای اهمیت فراوانی است. این واژه به معنای قانونی بودن و مطابقت داشتن با قانون است. ماکس وبر سه نوع مشروعیت شامل مشروعیت سنتی، مشروعیت فرهمند و مشروعیت عقلانی - قانونی را مطرح می‌کند. به زعم وی، مشروعیت سنتی بر تقدس سنتهای قدیمی استوار است و مشروعیت فرهمند بر ویژگیهای کاریزماتیکی شخصی تکیه داشته و مشروعیت عقلانی - قانونی نیز بر پایه اعتقاد به قانونی بودن الگوهای قواعد هنجاری و اصول پذیرفته‌شده عمومی شکل می‌گیرد که تنظیم‌کننده رفتار انسانهاست. به عبارت دیگر، قانونی بودن شامل قوانینی است که با توجه به ارزشها و باورهای جامعه و مبتنی بر خرد همگانی، آزادانه، آگاهانه و عقلانی از سوی عرف و اکثریت جامعه پذیرفته شده باشد (خواجهی، ۱۳۹۱: ۷۳).

اگرچه در خود منشور معیارهای روشنی پیرامون اعمال اختیارات شورای امنیت - خصوصاً در زمینه اعمال تحریم که از جمله ابزارهای مهم و رایج این نهاد می‌باشد - ملاحظه نمی‌گردد، اما تحریم‌های شورای امنیت با لحاظ مقررات موجود در منشور از قانونیت برخوردار است؛ اگرچه ممکن است در موادی از مشروعیت برخوردار نباشد. اما در خصوص اعمال تحریم‌های یک‌جانبه نص صریحی در قانون منشور ملل متحد مبنی بر توافق دولتها در اعمال فشار از طریق تحریم در زمینه‌های مختلف وجود ندارد و لذا، این اقدامات آمریکا دارای قانونیت نیست.

بر این اساس، تخطی از قواعد ممکن است کارایی قواعد وضع شده را کاهش داده و متناسب با افول نهادها و قواعد بین‌المللی زمینه تضعیف صلح و ثبات در روابط بین‌الملل بوجود آید. به عبارت دیگر، آنچه به نظم در عرصه بین‌المللی قوام می‌بخشد، هنجارهای مربوط به قرارداد و حفظ قول یا وفای به عهد است. بر این اساس، اقدامات آمریکا در تحریم یک‌جانبه می‌تواند موجبات تضعیف منافع مشترک بین‌المللی و حقوق بین‌الملل و به‌طور خاص منشور ملل متحد را فراهم کرده و به عنوان عامل برهم‌خوردن نظم و صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود؛ که بر این اساس می‌توان گفت این اقدامات فاقد مشروعیت نیز می‌باشد و حتی می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی آمریکا را نیز فراهم آورد (سید تقی زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۲).



### ۳. مصونیت اموال دولتها از توقیف از منظر حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل قواعدی در خصوص مصونیت وجود دارد که مصونیت اموال دولتها از توقیف توسط محاکم بین‌المللی یکی از انواع آن می‌باشد. بر این مبناء، به بررسی ماهیت آن و تحولات صورت گرفته در این مفهوم خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱. مصونیت قضایی دولتها از توقیف اموال

حقوق بین‌الملل، همواره با رویکردی دولت‌محور به پیش می‌رود و اصول آن بر همین دیدگاه تدوین شده است. یکی از آن اصول، اصل مصونیت قضایی دولتها و اموالشان می‌باشد که بر اساس آن دولتها از رسیدگی قضایی محاکم داخلی دولتهای دیگر مصونیت دارند. این امر شامل توقیف اموال آنها نیز می‌گردد. این مصونیت یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است که امروزه بصورت قراردادی نیز در کنوانسیون ملل متحد راجع به مصونیت قضائی دولت‌ها و اموال آنها مورد قبول واقع شده است.

مصونیت دولت به عنوان عدم صلاحیت محاکم قضایی دیگر دولتها برای رسیدگی به دعاوی علیه آن دولت تعریف می‌شود. در طول تاریخ همواره دولتها برای خود مصونیت مطلق قائل بودند. مصونیت مطلق دولتها به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است. این قاعده از اصل برابری حاکمیت دولتها مندرج در بند (۱) ماده (۲) منشور مشتق می‌شود که یکی از اصول اساسی نظم حقوقی بین‌المللی به شمار می‌آید. در بند (۱) ماده (۲) منشور سازمان ملل آمده است: «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت همه اعضا آن قرار دارد.»

علیرغم کش و قوس‌های فراوان حقوق بین‌الملل، در هیچ کدام از کنگره‌های بین‌المللی یا معاهدات چندجانبه از وستفالی در سال ۱۶۴۸ تا دو کنفرانس لاهه در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، هیچ مقررره یا توافقی که مؤید خدشه بر مصونیت مطلق دولتها شود، وجود نداشته است. در وستفالی بر حقوق برابر کشورها به عنوان واحدهای سیاسی مستقل برای نخستین بار تأکید شد (نقیب زاده، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

زمزمه‌هایی که قبل از جنگ جهانی دوم درباره لزوم استثناء بر مصونیت دولتها و اموال آنها مطرح بود، پس از جنگ جهانی دوم به سه دلیل تحول جدی یافت. اول: اینکه مداخله دولت در امور تجاری باعث شد که این دکترین که میان مصونیت در اعمال حاکمیتی دولتها با اعمال تصدی آنها تمایز قائل می‌گردید، طرفداران زیادی پیدا کند. دوم، سوسیالیستی بودن نظام شوروی که کل اقتصاد کشور را در انحصار داشت، با اجرای اصل مصونیت مطلق، مشکلات متعددی برای طرفهای تجاری ایجاد می‌کرد. سوم، توسعه سازمانهای بین‌المللی اقتصادی که در اساسنامه خود و با پذیرش آراء داوری، داوطلبانه از مصونیت خود عدول کردند. مجمع عمومی سازمان ملل در دوم دسامبر ۲۰۰۴ کنوانسیون مصونیت قضایی دولتها و اموال آنها را تصویب کرد (موسوی،

۱۳۸۵:۳). این کنوانسیون برای امضای کشورها از ۱۷ ژانویه ۲۰۰۵ تا ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷ در مقر سازمان ملل مفتوح گردید. در این مدت، سی کشور، کنوانسیون مذکور را امضا کردند که عبارت‌اند از: اتریش، بلغارستان، چین، چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، ایسلند، هند، ایران، ژاپن، قزاقستان، لبنان، ماداگاسکار، مکزیک، مراکش، نروژ، پاراگوئه، پرتغال، رومانی، روسیه، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، اسلواکی، سوئد، سوئیس، تیمور شرقی و انگلیس. تصویب این کنوانسیون به معنای پذیرش دکتترین «مصونیت محدود دولت» می‌باشد. تئوری مصونیت محدود مبتنی بر این فرض است که چون دولت‌ها در بسیاری از امور بازرگانی مستقیماً مداخله می‌نمایند، دیگر نمی‌توانند با تکیه بر نظریه مصونیت، از زیر بار تعهدات خود در زمینه اعمال تصدی شانه خالی کنند (خضری، ۱۳۹۱: ۱۳).

این کنوانسیون «مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها» را به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی که به طور کلی مورد پذیرش واقع شده است، در نظر می‌گیرد و استثنائی برای مصونیت‌ها دولت‌ها و اموال آنها که ناشی یا برای اعمال حاکمیتی باشد، در نظر گرفته نشده است. در این کنوانسیون، نقض حقوق بشر و قواعد آمره به عنوان استثنائی بر مصونیت دولت‌ها مورد اشاره قرار نگرفته است (ناگان و روت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۴۲۷).

### ۳-۲. تحول در اصل مصونیت دولت‌ها از توقیف اموال

تحولات سالهای اخیر و همچنین گسترش پدیده‌ای به نام تروریسم بر این اصل خدشه‌هایی وارد نموده است. مهمترین قانونی که بر این اصل استثناء وارد نموده است، اصلاحیه مربوط به قانون مصونیت دولت‌های خارجی آمریکا می‌باشد که در صورت طرح شکایت قربانیان تروریسم از دولتی خارجی، محاکم داخلی آمریکا را صالح به رسیدگی می‌داند. البته، این سلب مصونیت با شروطی نیز همراه می‌باشد که از آن جمله می‌توان به قرار داشتن کشور مزبور در لیست گروه‌های تروریستی اعلام شده توسط وزارت امور خارجه آمریکا و همچنین، شهروند آمریکا بودن قربانبان و یا خواهان دعوا اشاره نمود.

طی سالهای اخیر اقدامات یک‌جانبه‌ای برای ایجاد استثناءهای جدید بر مصونیت دولت‌ها به عنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی انجام شده است. نقض حقوق بشر، نقض قواعد آمره و تروریسم سه دستاویز برخی از قدرت‌ها و در رأس آنها آمریکا برای ایجاد استثناء در قاعده عرفی مصونیت دولت‌ها می‌باشد. کنگره آمریکا با حمایت دولت در سال ۱۹۹۶ با اصلاح قانون ۱۹۶۷ و تصویب قانون فلاتو و در سال ۲۰۱۲ با تصویب قانون «کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه»، با مداخله در امور قضایی، گامی بی‌سابقه برای ایجاد استثناء بر مصونیت دولت‌هایی که به ادعای وزارت امور خارجه آمریکا حامی تروریسم هستند، برداشت. کانادا هم با پیروی از آمریکا



در ۱۳ مارس ۲۰۱۲ م قانون مشابهی را تصویب کرد. با آرای سیاسی محاکم آمریکا، کانادا و لوکزامبورگ علیه ایران و شکایت تهران به دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۶ م، دیوان در معرض آزمون دیگری برای حمایت از مصونیت دولتها و اموال آنها قرار گرفته است. در صورتی که دیوان رویه گذشته خود به ویژه قضیه آلمان علیه ایتالیا، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و نیز کنوانسیون ۲ دسامبر ۲۰۰۲ «مصونیت دولتها و اموال آنها» را محور تصمیم‌گیری خود برای صدور رأی قرار دهد، با صدور حکمی علیه اقدامات غیرقانونی آمریکا، گام جدی دیگری برای پایان دادن به نقض مصونیت دولتها از طریق ایجاد استثنائات سیاسی محور نظیر استفاده ابزاری از تروریسم، نقض حقوق بشر و... بر خواهد داشت (لسانی و کاظمی، ۱۳۹۷: ۱۶).

در اصلاحیه‌های سال ۲۰۰۸ به شهروندان آمریکا، اتباع دولتهای دیگر که رابطه استخدامی با آمریکا دارند نیز اضافه گردید تا دامنه این استثناء وسیع تر شود. قانون کانادا نیز با قبول اجرای احکام دولتهای دیگر، این وسعت را بیشتر نمود تا آنجا که این امر به چالشی در حقوق بین‌الملل بدل گردیده است. سؤال اینجاست که آیا ما با دو امر متضاد مواجه هستیم؟ یعنی حقوق بین‌الملل از یک سو، دولتها را ملزم به رعایت قواعد حقوق آمره و پرهیز از ارتکاب جنایات بین‌المللی نموده و از سوی دیگر، با دادن مصونیت به آنها راه را برای رسیدگی به اعمال آنها محدود نموده است؟ این امر زمانی سخت‌تر هم می‌شود که دولتها رضایت به رسیدگی اختلافات در یک محکمه بین‌المللی نداشته باشند، اگرچه تجربه نشان داده است که در صورت طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری هم کفه ترازو به سمت مصونیت دولتها خواهد بود. در قضیه موسوم به فرینی ما با رویکرد مخالف این نظریه مواجه هستیم.

### ۳-۳. عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل درباره مصونیت دولتها

در دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل با صدور قطعنامه ۱۵۱ / ۳۲، بررسی موضوع مصونیت قضایی دولتها را در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار داد. کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از ۲۷ سال بررسی، متن نهایی کنوانسیون پیشنهادی خود را در مارس ۲۰۰۴ به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد. مجمع عمومی نیز در دوم دسامبر ۲۰۰۴، این کنوانسیون را در ۳۳ ماده و یک ضمیمه تصویب کرد و تأکید شد که پیوست این کنوانسیون، بخش لاینفک آن را تشکیل می‌دهد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طی ۲۷ سال (۱۹۷۷ تا ۲۰۰۴) روند طولانی و پرفرازونشیبی را برای تدوین پیش‌نویس کنوانسیون مصونیت دولتها پیمود. شیوه کار کمیسیون در این خصوص نیز مانند سایر موضوعات، متکی بر بررسی رویه تقنینی، قضایی و عملکردی دولتها و اخذ نظرات دولتهای مختلف بود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در یکی از اولین موضع‌گیری‌های خود، در سال ۱۹۸۰ اعلام کرد مصونیت دولت به عنوان یک قاعده عمومی حقوق بین‌الملل عرفی در رویه فعلی

دولتها به رسمیت شناخته شده است و وفاق عام در مورد مصونیت قضایی دولت وجود دارد. همچنین، گزارشهای کمیسیون حقوق بین الملل نشان می دهد که اغلب دولتها بر این نظر بودند که مصونیت دولتها به عنوان یک اصل بنیادین غیرقابل خدشه است. در واقع، اختلاف اصلی درباره گذر یا عدم گذر از مصونیت مطلق به مصونیت محدود بود. استثنائات مصونیت شامل امور تجاری، داوری، مالکیت و موارد مشابه بود که در رویه اغلب کشورها به رسمیت شناخته شده است. همچنین، دولتها تأکید داشتند که مصونیت اموال آنها قابل نقض نیست، مگر اینکه دولت در قالب موافقتنامه کتبی یا اعلامیه رسمی به آن رضایت داده باشد (کتاب سال کمیسیون حقوق بین الملل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰: ۶۴).

در ۲۲ سال اول فعالیت کمیسیون حقوق بین الملل، هیچ تحرک جدی مبنی بر وارد کردن استثناء بر مصونیت دولتها در اعمال حاکمیتی به دلیل نقض قواعد آمره، بشردوستانه یا تروریسم مطرح نشد. تا اینکه گروه کاری کمیسیون در سال ۱۹۹۹ بیان داشت که استثناء تروریسم به عنوان پیشرفت اخیر حقوق بین الملل درباره مصونیت نباید نادیده گرفته شود. این موضوع در صفحه ۱۷۲ ضمیمه گزارش جلسه ۵۱ کمیسیون ثبت شده است (کتاب سال کمیسیون حقوق بین الملل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹: ۲۵۶).

به دنبال این گزارش، مباحث جدی درباره ایجاد قانون استثناء بر مصونیت دولتها به ویژه از سوی آمریکا و برخی از کشورهای غربی شروع شد. لیکن، نه در آن جلسه و نه در جلسات سالهای بعدی گروه کاری، پیش نویسی برای درج در کنوانسیون در ارتباط با استثناء تروریسم تنظیم نشد. به نظر می رسد کشورهای عضو چنین استثنائی را به معنای زمینه سازی برای ایجاد هرج و مرج بین المللی می دانستند. حتی حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ نیز نتوانست در دیدگاه کشورها تغییر ایجاد کند. در نتیجه، این موضوع از پیش نویس کنوانسیون ۲۰۰۴ م. کنار گذاشته شد؛ چرا که آن استثناء از پذیرش بالایی در جامعه بین المللی برخوردار نبود و اصرار بر استثناء تروریسم باعث می شد که کشورها در خصوص مفاد کنوانسیون به اجماع نرسند. پیش از آن در بند (۴) گزارش سال ۱۹۹۹ گزارشگر کمیسیون حقوق بین الملل در قالب پرسشنامه ای بر بررسی اقدامات یک جانبه در نقض مصونیت دولتها تأکید شده بود (گزارش کمیسیون حقوق بین الملل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰: ۲۲).

بدین ترتیب، کنوانسیون مصونیت دولتها و اموال آنها، بدون هرگونه استثناء مرتبط با قواعد آمره یا تروریسم در (۲) دسامبر ۲۰۰۴ به تصویب رسید. طبق ماده (۳۰) کنوانسیون مصونیت دولتها

1. yearbook of the international law commission  
 2. yearbook of the international law commission  
 3. Report of the International Law Commission

و اموال آنها، مقررات این کنوانسیون در سی‌امین روز پس از تودیع سی‌امین سند تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهند شد (استوارت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۱۰۵۰).

این کنوانسیون در دیباچه خود، تأکید می‌کند: «دولتهای عضو کنوانسیون، با تأکید بر اینکه مصونیت قضائی دولتها و اموال آنها به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ درباره مفاد آن توافق کرده‌اند. کنوانسیون مذکور، نخستین سند چندجانبه و جدیدی است که حاوی رویکردی جامع و فراگیر درباره مصونیت دولتها از صلاحیت دادگاههای ملی دیگر کشورها می‌باشد. ماده ۵ کنوانسیون مذکور اصل مصونیت را با توجه به استثنائات مقرر در مواد ۱۰ تا ۱۷ مورد پذیرش قرار داده است که در آن موارد، مصونیت دولت نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. این استثنائات عبارت‌اند از معاملات تجاری ماده (۱۰)، قراردادهای استخدامی (ماده ۱۱)، صدمات شخصی و خسارت به اموال (ماده ۱۲)، مالکیت، تملک و انتفاع از اموال (ماده ۱۳)، مالکیت معنوی و صنعتی (ماده ۱۴)، مشارکت در شرکتها یا نهادهای جمعی دیگر (ماده ۱۵)، کشتیهای تحت مالکیت یا اداره یک دولت (ماده ۱۶) و اثر موافقتنامه داوری (ماده ۱۷). (لسانی و کاظمی، منبع پیشین: ۱۸).

از آنجا که برخی از کشورها تلاش می‌کردند بند ۱۲ را به موضوع مخصصات مسلحانه نیز تسری دهند، کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیریه‌ای تصریح کرد که این ماده شامل مخصصات مسلحانه نمی‌شود. در واقع، ماده (۱۲) کنوانسیون مصونیت دولتها شامل اعمال تصدی دولتها می‌شود، نه اعمال حاکمیتی آنها. کنوانسیون مذکور بهترین راهکار برای حرکت به سمت ایده مصونیت محدود دولتها می‌باشد (دونوهو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹: ۶۸۱).

#### ۴. ابعاد حقوقی توقیف نفت صادراتی ایران توسط امریکا

تابستان سال ۱۴۰۰ نشریه وال‌استریت ژورنال به نقل از مقامات آمریکایی از توقیف چهار نفتکش حامل بنزین ایران خبر داد. این کشتی‌ها قرار بود محموله بنزین را به ونزوئلا برسانند. نفتکش‌های یادشده به نام‌های «لوننا، پاندی، برینگ و بلا» در آب‌های آزاد توقیف و به سمت بندر هوستون واقع در ایالت تگزاس روانه شدند. پس از مدتی نیز اعلام شد که محموله تانکرها ضبط شده و به فروش می‌رسد.

متعاقب آن، خبرگزاری فارس به نقل از بیژن نامدار زنگنه اعلام کرد: «صادرات بنزین به ونزوئلا یک کار تجاری است، آن را به رزم سیاسی تبدیل نکنید. محموله‌های اخیر به صورت فوب به ونزوئلا فروخته و تحویل شده بود و پول آن تسویه شده است».

1. Stewart  
2. Donoho



سخنگوی وزارت دادگستری آمریکا اعلام کرد که کار فروش این محموله به اتمام رسیده است و مقام‌های این وزارتخانه در انتظار حکم دادگاه منطقه‌ای واشنگتن هستند تا بتوانند درآمد حاصل از فروش نفت ایران را به «بنیاد قربانیان آمریکایی کشورهای حامی تروریسم» واریز کنند. مبلغ حاصل از فروش این محموله‌ها به ده‌ها میلیون دلار می‌رسد.<sup>۱</sup> در توثیتی که توسط آقای سلطانی، سفیر ایران در ونزوئلا، منتشر شد، عنوان شد که «نه کشتی‌ها ایرانی هستند و نه مالک یا پرچم آنها ارتباطی به ایران دارد و خیر توقیف کشتی‌ها «جنگ روانی» است». فارغ از نگاه سیاسی حاکم بر موضوع و یا واقعیت امر، لازم است به لحاظ حقوقی با فرض وقوع چنین اقدامی ابعاد حقوقی آن را مورد بررسی قرار دهیم تا راه‌های پیشگیری و مقابله با این اقدامات در آینده بهتر روشن و قابل شناخت باشد.

#### ۴-۱. توقیف نفت صادراتی از منظر اصل برابری دولتها

تا پیش از پذیرش سند برجام، تحریم کشتیرانی، به معنای امکان بازرسی و توقیف کشتیهای مظنون ایرانی و یا ممانعت از حرکت آزادانه آنها، ضمن قطعنامه‌های شورای امنیت و به تبع آن، در قوانین تحریمی اتحادیه اروپا و سایر کشورها، از جمله آمریکا، وجود داشت (ضیایی، ۱۳۹۵: ۳). اما به موجب این سند، بخش زیادی از تحریم‌های شورای امنیت و دیگر نهادها و کشورها در زمینه کشتیرانی برطرف شد.<sup>۲</sup>

بدیهی است آنچه در این برهه زمانی تحت عنوان تحریم‌های اقتصادی و از جمله تحریم بر صادرات نفت و یا تحریم تردد کشتیها بر جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود، نه در راستای تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، بلکه نوعی اقدام یکجانبه از سوی ایالات متحده آمریکاست که هدف از وضع و اعمال آنها، نه استقرار صلح و امنیت بین‌المللی، بلکه انگیزه‌های سیاسی و تحمیل سیاست‌های خود بر ایران است. درباره میزان مشروعیت قانونی اینگونه اقدامات تحریمی، میان دولتها بحث و اختلاف نظرهای زیادی مطرح شده است (رشیدی، ۱۳۹۵: ۲۴).

چنانکه طرفداران اعمال تحریم‌های یکجانبه، عمدتاً برای توجیه عمل خود به اصل حاکمیت دولت‌ها در آزادی برقراری یا قطع همکاری اقتصادی استناد می‌کنند، در مقابل، این اصل از طرف مخالفان تحریم‌های یکجانبه نیز برای اثبات نامشروع بودن این تحریمها به کار گرفته می‌شود و چنین استدلال می‌گردد که دولت هدف تحریم نیز دارای حاکمیت است و از این جهت قدرت انحصاری تنظیم روابط اقتصادی خویش را بدون دخالت فشار خارجی داراست (حبیبی مجنده، ۱۳۹۲: ۸۴۸).

1. <https://www.eskannews.com/news/33701>

2. JCPOA, 2015, para. 21, Annex II, Sections 1.3, 3-4

در واقع، مخالفان تحمیل تحریم‌های یکجانبه با رویکردی دیگر به اصل حاکمیت، وضع تحریمها را مغایر با آن می‌دانند: «از اصل حاکمیت، اصل عدم مداخله منبث می‌گردد» (حکمتی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). این اصل، به عنوان یک حق مورد اجماع حقوقی میان دولتها قرار دارد (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۶: ۹۷). و در اسناد مختلف بین‌المللی، از جمله منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولتها و اعلامیه غیرمجاز بودن مداخله در امور داخلی دولتها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در بخشی از رأی فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی نیکاراگوئه در این باره بیان می‌دارد: «با توجه به یک قاعدهٔ عموماً پذیرفته شده، این اصل، همه دولتها یا گروهی از دولتها را از مداخلهٔ مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دولتهای دیگر باز می‌دارد. منظور از مداخلهٔ منع شده، مداخله در اموری است که اصل حاکمیت دولتها به هر دولتی اجازه می‌دهد آزادانه برای خود تصمیم بگیرد. یکی از اینها، انتخاب نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تنظیم سیاست خارجی است. زمانیکه از روشهای اجبار در خصوص چنین انتخاب‌هایی استفاده شود، مداخله نادرست است».<sup>۲</sup>

با توجه به این مقدمات می‌توان گفت دولتها با یکدیگر حاکمیت برابر دارند و هیچ دولتی نمی‌تواند بدون رضایت سایر دولتها در امور داخلی آنها مداخله و حاکمیتشان را نقض کند. کشورهای ایران و ونزوئلا، به عنوان حاکمیت‌های برابر و مستقل، می‌توانند آزادانه و بدون هیچ گونه فشار خارجی با یکدیگر، روابط اقتصادی برقرار کنند و عمل آمریکا در ممانعت از این اقدام که امری کاملاً داخلی و در صلاحیت مقامات دو کشور ایران و ونزوئلاست، مخالف اصل حاکمیت کشورها و اصل عدم مداخله در امور داخلی آنها شمرده می‌شود. افزون بر این، اصل حاکمیت کشورها و اصل عدم مداخله در امور داخلی آنها شمرده می‌شود. افزون بر این، آمریکا با اعمال تحریم‌های یک جانبهٔ اقتصادی علیه ایران، تعهد خود در معاهدهٔ الجزایر (۱۹۸۱) مبنی بر منع مداخله در امور داخلی ایران و لغو تمامی تحریم‌های اقتصادی را نادیده انگاشته است.

استدلال مخالفان تحریم‌های یکجانبه در اثبات غیرقانونی بودن تحریم‌های یکجانبه به استناد اصل حاکمیت، به ویژه در زمینهٔ تحریم‌های فراسرزمینی یا ثانویه از اعتبار بیشتری برخوردار است؛ زیرا اگرچه نمی‌توان به تصمیم دولت تحریم‌کننده مبنی بر خواست آن به قطع رابطهٔ خود با دولتی دیگر خدشه وارد کرد، اما آن دولت نمی‌تواند در روابط اقتصادی دولت هدف تحریم با دولتی ثالث مداخله کند. مهمتر آنکه اقدام آمریکا در تروریستی دانستن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا بر همین اصل برابری حاکمیت که یکی از پایه‌های نظام حقوق بین‌الملل امروز را تشکیل می‌دهد، فاقد مشروعیت است؛ زیرا تروریستی نامیدن نیروی نظامی رسمی یک کشور که تجلی‌بخش

1. UN Doc. A/RES/3281, 1974, Art. 32; UN Doc. A/RES/2131, 1965, Art. 2  
2. ICJ, 1986, para. 205

حاکمیت آن است و اقدامات تحریمی علیه آن به صورت یکجانبه، با این اصل حقوق بین الملل در تعارض آشکار قرار می گیرد (رشیدی، موسوی فر و اقبالی، ۱۴۰۰: ۶۲).

در خصوص توقیف نفت صادراتی از منظر نظام امنیت دسته جمعی نیز باید گفت امنیت جمعی به معنای مجموعه ای از هنجارها، قواعد و ساختارها برای حفظ ثبات و آرامش بین المللی است. مبنای نظریه امنیت جمعی آن است که دولت ها به تدریج این نکته را دریافتند که امنیت هریک در گروی امنیت سایر دولتهاست. هدف نظام امنیت جمعی، تأمین امنیت برای همه از راه سرکوب متجاوز است و یکی از ضروریات اصلی تحقق این هدف، وجود ساختاری حقوقی و تشکیلاتی برای اقدام علیه متجاوز است (زال پور، ۱۳۸۳: ۶۰).

بر این اساس، به هنگام تشکیل سازمان ملل متحد، به منظور اقدام سریع و فوری جامعه بین المللی در رفع موارد تهدید یا نقض صلح و امنیت بین المللی، شورای امنیت سازمان ملل متحد برای انجام هرگونه اقدام مقتضی تشکیل شده است. تشخیص مصادیق تروریسم به عنوان عامل برهم زننده صلح و امنیت بین المللی و تعیین اقدامات لازم برای مقابله با آن، در وهله نخست، در اختیار این نهاد است؛ درحالی که مبنای اصلی صدور قرار توقیف مذکور در دادگاه آمریکا، برقراری ارتباط میان درآمدهای حاصل از صادرات نفت ایران با اقدامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که به زعم آمریکا، گروهی تروریستی شمرده می شود. با این مقدمات و با در نظر آوردن اینکه به موجب ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی با شورای امنیت سازمان ملل است، می توان استدلال کرد که ادعای تروریستی بودن سپاه پاسداران، زمانی که شورای امنیت به عنوان مرجع اصلی احراز وضعیت های ناقض صلح و امنیت بین المللی،<sup>۱</sup> در این زمینه تصمیمی نگرفته است، با اساس تشکیل سازمان ملل متحد و روح حاکم بر آن که در پی ممانعت از اقدامات یکجانبه و خودسرانه دولتها و حفظ امنیت جمعی است، در تنافی است (ضیایی و رشیدی، منبع پیشین: ۱۰۵).

#### ۴-۲. توقیف نفت صادراتی ایران از منظر حقوق دریاهای

قرار توقیف صادره در دادگاه آمریکا، در صورتی که به متوقف ساختن نفتکش های ایرانی در حال حرکت به سوی ونزوئلا در مناطق دریای آزاد بینجامد، برخی از اصول عرفی حقوق دریاهای از جمله آزادی دریانوردی در آبهای آزاد را نقض می کند.

آزادی دریانوردی در دریاهای آزاد که ذاتی این منطقه دریایی است، ایجاب می کند هیچ کشوری حق اعمال حاکمیت بر این منطقه را نداشته باشد. اگر کشتیها، به عنوان مهم ترین وسایل اجرای اصل آزادی دریانوردی، تحت صلاحیت دولتی به غیر از دولت صاحب پرچم قرار گیرند، این آزادی، خیالی بیش نخواهد بود. چنانکه دیوان دائمی دادگستری بین المللی به درستی در قضیه

1. United Nations Charter, 1945, Arts. 25

کشتی لوتوس، این موضوع را مطرح ساخت که به جز در برخی موارد استثنایی شناخته شده در حقوق بین‌الملل، کشتیها در دریای آزاد، تحت صلاحیت هیچ اقتداری به جز کشور صاحب پرچم قرار نمی‌گیرند.<sup>۱</sup>

قابلیت توقیف کشتیها در دریای آزاد، استثنایی بر اصل آزادی دریانوردی بوده و از این رو، لازم است به طریقی مضیق تفسیر شود. بر این اساس، مطابق با قواعد حقوق دریاهای، عمل بازرسی و نیز توقیف در دریای آزاد توسط سایر کشورها، تنها توسط کشتیهای نظامی آنها و صرفاً زمانی می‌تواند انجام شود که دلایل معقولی برای توقیف یا بازرسی وجود داشته باشد. دیگر، قابلیت بازرسی و توقیف کشتیهای خارجی توسط دولتی جز دولت صاحب پرچم، بر مبنای قواعد کنوانسیون حقوق دریاهای و نیز عرف بین‌المللی، ناظر بر وضعیتهایی است که یک کشتی، مظنون به تجارت برده، دزدی دریایی، قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و روانگردان، پخش امواج رادیویی غیرمجاز و یا کشتی بدون تابعیت یا با پرچم تقلبی باشد. مورد دیگر، زمانی است که یک کشتی با مبدأ حرکت از مناطق دریایی کشور خاص با نقض قواعد آن کشور ساحلی در آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت یا منطقه انحصاری اقتصادی آن، تحت تعقیب فوری کشتیهای کشور ساحلی قرار گرفته باشد. جز در موارد یادشده، توقیف و بازرسی کشتیها در دریای آزاد باید پس از اخذ رضایت دولت صاحب پرچم انجام شود (کرم زاده و عابدینی، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

رویه قضایی دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای (ایتلوس) نیز در قضیه مطروحه توسط پاناما علیه ایتالیا به درستی مؤید این واقعیت است که «هر گونه مداخله در امر دریانوردی کشتیهای خارجی و یا هر گونه اعمال صلاحیت بر این کشتیها در دریای آزاد، ناقض اصل آزادی دریانوردی بوده؛ مگر آنکه توسط کنوانسیون حقوق دریاهای یا دیگر معاهدات بین‌المللی قابل توجیه باشد».<sup>۲</sup>

حتی دیوان در این قضیه این باور است که نه تنها مداخله فیزیکی، مثل اقدام به توقیف، موجب نقض آزادی دریانوردی می‌شود، بلکه هر عملی که فعالیت‌های یک کشتی را در دریای آزاد تحت صلاحیت کشوری غیر از کشور صاحب پرچم قرار دهد، به غیر از موارد استثنایی مطروحه در کنوانسیون یا دیگر معاهدات بین‌المللی، می‌تواند ناقض اصل آزادی دریانوردی قرار گیرد. بر اساس رأی ایتلوس، اصل صلاحیت انحصاری کشور صاحب پرچم، عنصر ذاتی آزادی دریانوردی است. این اصل، نه تنها اعمال صلاحیت اجرایی کشور خارجی را بر کشتیهای دیگر کشورها ممنوع می‌کند، بلکه اگر دولتی قوانین کیفری و عرفی خود را بر دریاهای آزاد اعمال کرده و فعالیت‌های کشتیها در این منطقه را جرم‌انگاری نماید، مرتکب نقض آزادی دریانوردی شده است. بر این اساس، دیوان در این قضیه، ایتالیا را به استناد صدور حکم توقیف کشتی پانامایی

1. PCIJ, 1927: 25

2. ITLOS, 2019, para. 222

و درخواست برای اجرای آن و در نهایت توقیف کشتی، ناقض بند(۱) ماده ۸۷ کنوانسیون اعلام کرد (همان: ۲۲۳).

به این ترتیب، انجام امور عادی تجاری و شفافیت در نوع محموله کشتی هایی که در طول مسیر دریایی خود پرچم ایران را برافراشته و از آب های ایران به مقصد ونزوئلا حرکت کرده اند، عمل این کشتیها را مشمول هیچ یک از استثنای اصل آزادی دریانوردی در دریای آزاد قرار نداده و مانع از اعطای حق بازرسی و توقیف آن کشتیها، به سایر دولتها، از جمله آمریکا خواهد شد. همچنین، بنا بر رأی یادشده از ایتلوس در سال ۲۰۱۹ میان پاناما و ایتالیا، حتی صرف صدور قرار توقیف محموله های این کشتیها و اعمال فراسرزمینی قواعد داخلی آمریکا بر فعالیتهای کشتیهای ایرانی در دریای آزاد، نقض اصل عرفی آزادی دریانوردی شمرده می شود.

حتی کشور آمریکا به موجب قواعد حقوق دریاها، امکان توقیف نفتکش های ایرانی در حال عبور از دریای سرزمینی خود را ندارد؛ زیرا رژیم حاکم بر دریای سرزمینی، رژیم عبور بی ضرر است. مواد ۱۷ تا ۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به تعریف حق عبور بی ضرر و استثنائات تعلیق این حق پرداخته اند و ماده ۱۹ مقرر می دارد: «عبور، بی ضرر است؛ مادامی که مخل صلح، نظم عمومی و یا امنیت کشور ساحلی نباشد». سپس، به بیان اعمالی می پردازد که در صورت انجام آنها توسط کشتیها در دریای سرزمینی حق عبور بی ضرر آنها قابل تعلیق است.<sup>۱</sup>

این حق در خلال تمامی دوره های که مفهوم دریای سرزمینی شکل می گرفت، به طور گسترده ای مورد قبول بوده است (چرچیل و لو، ۱۳۸۷: ۱۱۶). و یک حق عرفی برای کشتیهای کشورهای خارجی تلقی می شود. کشورهای ساحلی جز در مواردی که به امنیت و نظم عمومی آنها مربوط است، نمی توانند این حق را در دریای سرزمینی تعلیق کنند.

دولت آمریکا در قوانین تحریمی خود برای توجیه تحریم های یکجانبه علیه ایران از اقدامات ایران به عنوان تهدیدی برای منافع ملی کشورش یاد کرده است و در قرار توقیف صادره پیش گفته نیز مدعی شد منافع حاصل از فروش نفت این کشتیها صرف فعالیتهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می شود که اعمال آن تهدیدی بر منافع آمریکا، شهروندان آمریکایی و اعمال آنهاست و به این ترتیب، عمل خود را از نظر قانونی توجیه می کند؛ حتی اگر حرکت آزادانه کشتیهای ایران را تهدیدی علیه امنیت آمریکا تلقی کنیم، باید توجه داشت که از نظر دیوان بین المللی دادگستری در دعوای سکوهای نفتی استنباط می شود که صرف تصور تهدید منافع ملی، دلیلی برای اعمال اقدامات اجرایی نخواهد بود و این تهدیدها باید به صورت عینی و واقعی به اثبات برسند؛ در غیر این صورت، هر اقدامی برای مقابله با این تهدیدها غیرقانونی خواهد بود.<sup>۲</sup> در نتیجه، منع ورود کشتیهای حامل نفت از ایران یا به مقصد ایران به آبهای سرزمینی و بازرسی آنها، در موردی که

1. UNCLOS, 1982, p. Art. 19(1-2)

2. ICJ, 2003: 43



تهدیدی واقعی علیه امنیت و نظم عمومی کشور ساحلی شمرده نمی‌شود، با حق عرفی عبور بی‌ضرر این کشتیها مغایرت دارد. بنابراین، افزون بر آنکه نفس تحریم سپاه پاسداران از منظر اصول منشور ملل متحد فاقد مشروعیت است، آثار تبعی این اقدام، با تعهدات آمریکا به رعایت اصول و قواعد حقوق دریاهای منافات داشته است.

### ۳-۴. توقیف نفت صادراتی ایران از منظر اصل مصونیت اموال دولتها

بر اساس قاعده عام مصونیت دولت، هر دولتی متعهد است از اعمال صلاحیت قضایی بر اعمال و اموال سایر دولت‌ها پرهیز کند. در دکتترین و رویه قضایی، مصونیت دولت غالباً به عنوان تجلی اصل برابری دولت‌ها تلقی شده است (خضری، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

درباره مصونیت دولت، در گذشته، ایده مصونیت مطلق به طور کلی پذیرفته شده بود؛ اما با مشارکت بیشتر دولتها و نهادهای دولتی در فعالیتهای تجاری، از اوایل قرن بیستم، تغییراتی در این زمینه پدید آمد و نظریه مصونیت محدود شکل گرفت. توضیح آنکه به موجب این نظریه، دولتها تنها در اعمال حاکمیتی و نه تصدی خود، از مصونیت برخوردارند (Krajewski, 2012:7).

عمل حاکمیتی، عملی است که به وسیله آن، ارگان‌های دولت متوسل به شیوه دستور، منع و قاعده‌گذاری یک‌جانبه شده و اراده آمرانه نهاد دولت آشکار می‌شود. به موجب تعریف دیگری، اعمال حاکمیتی را می‌توان چنین توصیف کرد: اعمالی که در چهارچوب آنها دستگاه دولتی بر اساس قدرت فرماندهی خود از سیطره حقوق عادی خارج می‌شود، زیرا اعمال وی شبیه اعمال اشخاص خصوصی نیست (واعظی، ۱۳۹۴: ۲۰۰).

احترام به مصونیت اعمال حاکمیتی دولت‌ها، در امر دریانوردی نیز مورد توجه قرار گرفته و تجلی آن در مصونیت کشتی‌های دولتی و یا جنگی هر دولت، به عنوان ابزار اعمال حاکمیت آن، از اعمال حاکمیت دیگر دولت‌ها تجلی یافته است. بارزترین جلوه مصونیت کشتی‌های جنگی از هرگونه تعقیب دیگر دولت‌ها، در بُعد مدنی و کیفری آن است. در همین چهارچوب، کشتی‌های دولتی غیرتجاری هم معاف از رسیدگی و مصون از هرگونه توقیف هستند؛ اگرچه از مصونیت‌های دیگر مقرر برای کشتی‌های جنگی برخوردار از دیگر امتیازات در نظر گرفته شده برای کشتی‌های دولتی غیرتجاری، مصونیت آنها از بازدید و بازرسی است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۳۱۹).

در راستای نظریه مصونیت محدود، اعمال غیرحاکمیتی دولت‌ها که از آن با عنوان اعمال تصدی نیز یاد می‌شود، مشمول اصل مصونیت اعمال دولت‌ها قرار نمی‌گیرند. دولت همیشه از قدرت فرماندهی خود بهره نبرده، بلکه در برخی مواقع همچون شخص خصوصی به اداره اموال خود می‌پردازد؛ امری که غالباً در قراردادهای اتفاق افتاده و این همان عمل تصدی است. به دیگر سخن، زمانی که نهاد دولتی به عنوان دارنده بخشی از اقتدار قوه مجریه ظهور می‌کند، عمل حاکمیتی است؛ اما گاهی اوقات اعمال دارای ماهیتی تصدی‌گرایانه بوده و دولت به مثابه عمل

مدیر و مسئول مالی خدمات عمومی ظهور کرده و شبیه اعمال اشخاص خصوصی عمل می‌کند. بر همین اساس، در حال حاضر در رویه قضایی دادگاههای داخلی کشورهای مختلف می‌توان آرایه‌ی را دید که درباره اعمال تصدی‌گری دولتها با استناد به اصل مصونیت محدود، مصونیت مطلق دولت را کنار گذاشته و به رسیدگی به ماهیت دعاوی مطروحه پرداخته‌اند (Bankas, 2005: 64).

تمیز اعمال حاکمیتی و تصدی نیز بر اساس دو معیار ماهیت و هدف انجام می‌شود. به عبارتی دیگر، مطابق با بند «ج» ماده ۱۹ کنوانسیون ملل متحد در مصونیت دولتها که می‌توان آن را تدوین قواعد عرفی در این حوزه دانست، اموال مورد استفاده یا به منظور استفاده برای اهداف تجاری از قاعده مصونیت دولت مستثنا می‌شوند و می‌توانند تحت اقدامات اجرایی قرار گیرند. ماده (۲) این کنوانسیون نیز در تمیز اعمال تجاری آشکارا به دو معیار ماهیت و هدف اشاره کرده است.<sup>۱</sup>

بر این مبنای، در مرحله نخست شاید بتوان چنین گفت که تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی میان دو دولت ایران و ونزوئلا را می‌بایست در زمره اعمال تصدی دولت جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد؛ چراکه عمل مزبور در ردیف اعمالی شمرده شده که توسط اشخاص خصوصی نیز قابلیت اعمال دارد. امروزه مداخله اشخاص خصوصی، به ویژه اشخاص حقوقی در تجارت نفت بسیار شایع بوده و حتی می‌توان گفت که بخش خصوصی بسیار بیش از بخش دولتی در تجارت مزبور درگیر است. نتیجه آنکه، ممکن است چنین گفت که فارغ از سایر مسائل، قرار صادره برای توقیف کشتیهای حامل فرآورده‌های نفتی ایران برای ونزوئلا و اجرای آن از منظر حقوق بین‌الملل منعی نخواهد داشت؛ زیرا کشتی‌های مزبور درگیر اعمال تصدی برای جمهوری اسلامی ایران بوده و فاقد مصونیت شمرده می‌شوند.

با وجود این، به نظر می‌رسد توجه به صرف ماهیت عمل و امکان انجام آن توسط اشخاص خصوصی به منظور احتساب عمل به عنوان تصدی‌گری، در تمامی موارد و به صورت عمومی، چندان صحیح نباشد. بلکه، شایسته‌تر آن است تا به منظور شناسایی عمل دولت به عنوان عمل تصدی‌گری یا عمل حاکمیتی، هر عمل به صورت موردی بررسی شود. بر این مبنای، معامله بین ایران و ونزوئلا نیز صرف نظر از امکان انجام توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی، باید در چهارچوب شرایط ویژه خود بررسی گردد. همان‌گونه که می‌دانیم، یکی از بارزترین جلوه‌های استقلال هر دولت، اختیار و آزادی آن دولت در اعمال اراده خود و تعیین آزاد مسیر حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش به نمایندگی از مردم تبعه آن دولت است؛ اصولی که نمونه روشن آن در مفهوم حاکمیت و حق تعیین سرنوشت خارجی تجلی یافته است (رشیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۸).

1. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Property, 2004, Art. 2



به سخن بهتر و با توجه به تحولات دهه ۱۹۶۰ میلادی، در حق بر تعیین سرنوشت مورد تأکید در میثاقین، نه تنها ضرورت رهایی جوامع مستعمره از سلطه استعمار، بلکه ممانعت از دخالت دولتهای خارجی در امور داخلی کشورهای مستقل و سرنوشت ملت‌های آنها نیز مورد توجه قرار گرفته است. اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مصوب ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل هم در میان مصادیق اعمال حق بر تعیین سرنوشت خارجی برای مردم، این چنین به منع سلطه، انقیاد و استثمار بیگانه اشاره می‌کند: «... سلطه، انقیاد و استثمار بیگانه بر مردمان مانعی بزرگ بر سر راه ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شده و مجمع بر این باور است که حقوق برابر و حق بر تعیین سرنوشت مردم سهم عمده‌ای از حقوق بین‌الملل معاصر را به خود اختصاص داده است. بنابراین، اجرای مؤثر آن دارای اهمیت والایی برای ارتقای روابط دوستانه بین دولت‌ها بر مبنای اصل حاکمیت برابر دارد.» (UN Doc. A/Res/2625, 1970).

بر این اساس، بدیهی است که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به مانند دیگر دولت‌ها، از این حق برخوردار است تا بنا به اقتضای منافع ملی و اهداف در نظر گرفته شده در راستای سیاست‌های بین‌المللی و داخلی خود، به تصمیم‌گیری و عمل درباره نحوه فروش منابع طبیعی خویش اقدام کند. فروش نفت و فرآورده‌های نفتی از شریان‌های اصلی تأمین درآمد برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید.

بر این مبنای، نظر به اهمیت درآمد حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی بر تأمین منابع مالی مورد نیاز کشور، به منظور تأمین بودجه لازم برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، عمل تجارت نفت را از جهت معیار هدف، در شمار اعمال حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. بر این مبنای، حتی می‌توان نفتکش‌های حامل فرآورده‌های صادراتی به ونزوئلا را نیز به عنوان عامل اعمال وظایف حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در تأمین منابع مالی مورد نیاز خود برای اعمال حاکمیت مؤثر خویش و تضمین اعمال آزادانه حق تعیین سرنوشت خود در پیشبرد آزادانه برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود دانسته و مشمول مصونیت از توقیف مقرر برای کشتیهای انجام‌دهنده چنین اعمالی تلقی کرد (رشیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۹).

### بحث و نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل به عنوان قواعد حاکم بر روابط بین دولتهای برخوردار از حاکمیت در یک فرآیند تاریخی پرفرازونشیب، مشتمل و متکی بر اصول و قواعدی است که ضرورت حیات بین‌المللی قاعده‌مند، مستلزم وجود آنهاست. از جمله این قواعد، اصل مصونیت اموال دولتها از توقیف توسط محاکم داخلی می‌باشد. مصونیت دولت در گذر زمان دارای دو نظریه بوده است که از آنها با

عنوان نظریه مصونیت مطلق و نظریه مصونیت محدود دولت‌ها نام برده می‌شود. طرفداران دکتترین مصونیت محدود، مصونیت را صرفاً به فعالیت‌های عمومی اختصاص می‌دهند. قاعده مصونیت قضایی دولت در پی تحولات نظام حقوق بین‌الملل، استثنائاتی را پذیرفته است، از جمله استثنای اعمال تصدی‌گری و پذیرش دکتترین مصونیت محدود. بر این اساس، در سالهای گذشته اقداماتی به منظور توقیف اموال و دارایی‌های ایران صورت گرفته است که مهمترین آن، توقیف نفت صادراتی ایران توسط بریتانیا (با حکم دادگاه جبل الطارق) و آمریکا (به بهانه تحریم‌های اقتصادی) می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی، کاهش یا متوقف ساختن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی، تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی دولت تحریم‌کننده است. از جمله تحریم‌های اقتصادی، تحریم‌های نفتی است که با هدف محروم کردن این کشور از درآمدهای نفتی و وادار کردن آن به همکاری با جامعه جهانی برای برطرف کردن ابهامات درباره برنامه احتمالی هسته‌ای نظامی اش شکل گرفت. در این خصوص باید گفت در خصوص اعمال تحریم‌های یک‌جانبه نص صریحی در قانون منشور ملل متحد مبنی بر توافق دولتها در اعمال فشار از طریق تحریم در زمینه‌های مختلف وجود ندارد و لذا، این اقدامات آمریکا دارای قانونیت نیست. پیرامون اقدام آمریکا در توقیف نفت صادراتی ایران نیز باید گفت که این اقدام از منظر اصل برابری دولتها، از منظر مقررات بین‌المللی حقوق دریاها و از منظر اصل مصونیت اموال دولتها از توقیف توسط محاکم داخلی فاقد قانونیت و مشروعیت می‌باشد.

### سیاسگزاری

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

## منابع

- صلاحی، سهراب. (۱۳۹۹). *ایران و آمریکا در چهل سال*. موسسه بوستان کتاب.
- کلیار، کلود آلبر. (۱۳۷۱). *نهادهای روابط بین‌الملل*. ترجمه هدایت الله فلسفی. نشر نو.
- سلیمی بانه، سیامند. (۱۳۹۹). *اقتصاد نفت و بازارهای انرژی*. همایش بین‌المللی توسعه فناوری در نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی، ۳، ۱۲ - ۱.
- <https://civilica.com/doc/1148859/>
- مصلی نژاد، عباس؛ شیخ زاده، حسین. (۱۳۹۲). *نقش نفت در توسعه اقتصادی ایران*. سیاست، ۴۳، (۴)، ۶۰ - ۴۳.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=241587>
- سید تقی زاده، سید حمید؛ رئیس، لیلیا؛ اسماعیلی، بشیر. (۱۳۹۸). *بررسی مشروعیت تحریم‌های یکجانبه‌ی آمریکا پس از خروج از برجام بر اساس منشور ملل متحد*. *مطالعات روابط بین‌الملل* (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)، ۱۲ (۴۷)، ۷۰ - ۳۹.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=490069>
- ضیایی، سیدمرتضی و غفاری، سمیه. (۱۳۹۵). *بررسی تحریم‌های یکجانبه‌ی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل*. *کنفرانس جامع و بین‌المللی اقتصاد مقاومتی*، ۲، ۱۵ - ۱.
- <https://civilica.com/doc/571656/>
- خواجهی، غلامرضا. (۱۳۹۱). *تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه*. *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)*، ۱۹ (۲)، ۲۰ - ۱.
- [https://lawecon.um.ac.ir/article\\_27815.html](https://lawecon.um.ac.ir/article_27815.html)
- نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۲). *بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات و استقالی*. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، (۶۵)، ۲۱۴ - ۱۸۷.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=38040>
- خضری، سیدمرتضی. (۱۳۹۱). *مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل*. *پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی*، ۱ (۳)، ۱۴۶ - ۱۳۳.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1015605/>
- لسانی، سید حسام‌الدین؛ کاظمی، احمد. (۱۳۹۷). *توقیف اموال ایران در آمریکا از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌های برون مرزی (با تأکید بر عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مصونیت دولت‌ها، دعوی آلمان علیه ایتالیا، دعوی ۲۰۱۶ ایران علیه آمریکا، احکام صادره محاکم آمریکا، کانادا و لوکزامبورگ)*. *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، (۳)، ۴۸ - ۱۳.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1492172/>
- بیات، محسن. (۱۳۹۱). *تاریخ تحریم ایران؛ تحول در آسیب‌پذیری‌ها و ماهیت تحریم‌ها*. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۲۶ (۴)، ۹۶۰ - ۹۳۵.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190008/>
- ضیایی، سید یاسر؛ رشیدی، مهناز. (۱۳۹۵). *تحریم کشت‌یرانی جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل*. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۳ (۵۴)، ۱۲۲ - ۹۱.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1115808/>
- رشیدی، مهناز؛ موسوی‌فر، سید حسین؛ اقبالی، کیوان. (۱۴۰۰). *تحلیل حقوقی اقدام آمریکا در*



- صدور قرار توقیف نفتکشهای ایرانی حامل بنزین به نزوئلا. *مطالعات حقوق انرژی*، ۷(۱)، ۷۴ - ۵۹.  
[https://journals.ut.ac.ir/article\\_84540.html](https://journals.ut.ac.ir/article_84540.html)
- کرم زاده، سیامک؛ عابدینی، عبدالله. (۱۳۹۹). تحلیل حقوقی توقیف نفتکش گریس ۱ در آبهای سرزمینی جبل الطارق. *اقیانوس شناسی*، ۱۱ (۴۱)، ۱۲۵ - ۱۱۳.  
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=562331>
- چرچیل، رابین و آلن لو. (۱۳۸۷). *حقوق بین الملل دریاها*. ترجمه: بهمن آقایی، کتابخانه گنج دانش.
- خضری، سیدمرتضی. (۱۳۹۱). مصونیت دولت از نگاه حقوق بین الملل. *پژوهشنامه اندیشه های حقوقی*، ۱ (۳)، ۱۴۶ - ۱۱۳.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1015605/>
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *حقوق بین الملل عمومی*. انتشارات گنج دانش.
- واعظی، سیدمجتبی. (۱۳۹۴). معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۷(۲)، ۲۲۰ - ۱۹۹.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1101082/>
- زال پور، خسرو. (۱۳۸۳). نظام امنیت دسته جمعی و سازمان ملل متحد - مورد عراق. *رواق اندیشه*، ۳۱(۳)، ۷۲ - ۵۵.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/27998/>
- Bankas, E. K. (2005). *The State Immunity Controversy in International Law*. Springer.
- Bootwala, Mazahir. (2020). The Iran Problem: An Evaluation of US Sanctions on Iran and Global Reactions. *Georgetown Journal of International Affairs*, ۲۱, 136 - 141. <https://www.proquest.com/docview/2518362488>
- Donoho, Justin. (2009). Minimalist Interpretation of the Jurisdictional Immunities Convention. *Chicago Journal of International Law*, 9(2), 661 - 686.  
<https://chicagounbound.uchicago.edu/cjil/vol9/iss2/12/>
- Krajewski, Markus, Singer, Christopher. (2012). *Should Judges be Front-Runners? The ICJ, State Immunity and the Protection of Fundamental Human Rights*. Max Planck Yearbook of United Nations Law.
- Lopez, G and Cortright, D. (2000). The sanctions decade Assessing. Strategies in the 1990s. *Boulder*.  
<https://carnegieendowment.org/2000/04/18>
- Lesmond, David A., Joseph P. Ogden, and Charles A. Trzcinka. (2012). A New Estimate of Transaction costs. *The society for financial studies*, 12(5):1113-41.  
[https://www.researchgate.net/publication/5216805\\_A\\_New\\_Estimate\\_of\\_Transaction\\_Costs](https://www.researchgate.net/publication/5216805_A_New_Estimate_of_Transaction_Costs)
- Lowenfeld, A. (1983). *Trade Controls for Political Ends*. United States of America: New York University.
- Macias, Amanda. (2020). POLITICS U.S. slams Iran with another round of sanctions over support for terrorist entities. *Politics page CNBC*.  
<https://carnegieendowment.org/2020/10/27>
- Nagan, Winston, Root, Joshua (2013). The Emerging Restrictions on Sovereign Immunity: Peremptory Norms of International Law, the U.N. Charter, and the Application of Modern Communications Theory. *UF Law Scholarship Repository*, (38), 376 - 468.  
<https://scholarship.law.ufl.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1586&context=facultypub>
- UN. International Law Commission. Working Group on Jurisdictional Immunities of States and Their Property. (1999). Report of the Working Group on

Jurisdictional Immunities of States and their Property. *United Nations, Digital Library*, 1- 61.

<https://digitallibrary.un.org/record/276008?ln=en>

yearbook of the international law commission. (1990). *Summary records of the meetings of the forty-second session 1 May-20 July 1990*. Jurisdictional immunities of States and their property (A/CN.4/415,1 A/CN.4/422 and Add.1,2 A/CN.4/431,3 - Stewart, David, P. (2011). The Immunity of State Officials Under the UN Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property. *vanderbilt journal of transnational law*, (44), 1046 – 1072.

<https://scholarship.law.vanderbilt.edu/vjtl/vol44/iss4/9/>

